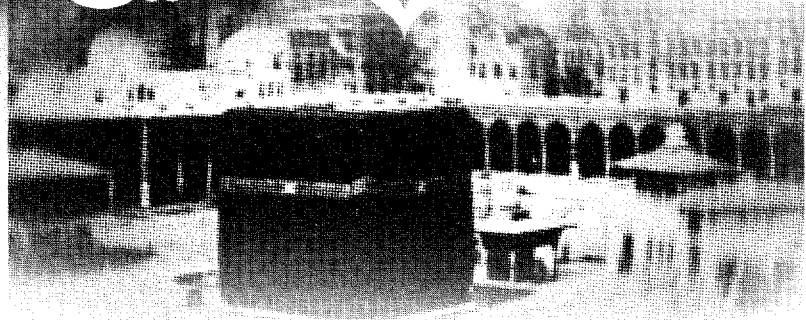


تقدیر و مکتبہ

www.KitaboSunnat.com

حج نگاری های

شیخ صدوق



سید محسن موسوی *

چکیده

حج، عمره و زیارت قبور پاک پیشوایان معصوم علیهم السلام از موضوعاتی است که بخشی از نگارش های نویسندگان دینی به آن اختصاص یافته است.

ابوجعفر محمد بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، از نویسندگان پرتلاش قرن چهارم هجری است. مرحوم صدوق، علاوه بر پرداختن به مسایل مرتبط با حج، عمره و زیارت در کتاب های مختلف خود، کتاب ها و رساله های مستقلی در این باره نیز نگاشته است.

گرچه هیچ یک از آثار دوازده گانه این بابویه در حوزه حج نگاری، هم اکنون در دست نیست؛ اما شناخت این نوشته ها بهره هایی را برای دین پژوهان و نویسندگان دینی خواهد داشت. این مقاله به کتاب شناسی توصیفی نگارش های صدوق درباره حج و زیارت پرداخته است.

واژگان کلیدی: حج، عمره، زیارت، حج نگاری، شیخ صدوق

یکی از زمینه‌های نگارش در میان آثار شیخ صدوق، نگارش در موضوع حج است. شیخ صدوق در ذیحجه سال ۳۵۳ ق. به حج بیت‌الله الحرام توفیق یافت.^۱ پس از انجام مراسم حج، برای زیارت قبر پیامبر و ائمهٔ بقیع علیهم‌السلام رهسپار مدینه شد. وی در بحث مربوط به زیارت حضرت فاطمه علیها‌السلام به زیارت مدینه و قبور آن اشاره کرده است.^۲

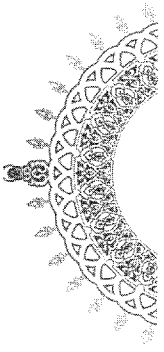
در راه بازگشت از حج، در میانهٔ راه مکه به کوفه در شهر فید توفقی کرده و از ابوعلی احمد بن ابی جعفر بیهقی حدیث شنید. خودش این حضور را در سال ۳۵۴ ق. گزارش کرده است.^۳ در همین سفر بازگشت، وارد همدان شد و از مشایخ آن شهر بهره جست.^۴

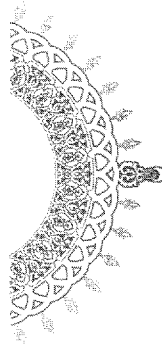
شیخ صدوق، دوازده عنوان از نوشته‌های خود را به موضوع حج اختصاص داده است. بنابراین، اگر تعداد تألیفات صدوق همان سیصد عنوان باشد؛ چهار درصد از آثار وی در رابطه با حج است. علاوه بر این کتاب‌های دوازده‌گانه، وی در کتاب ثواب الأعمال نیز، فصلی را به برشماری ثواب حج و عمره اختصاص داده و آن را باب ثواب «الحج والعمرة» نام نهاده است.^۵

وی همچنین در ادامه، فصل کوچکی را در ثواب دیدار و مصافحه با حاجی تدوین کرده و در پایان نیز با عنوان «باب نادر»، حدیثی دربارهٔ حج‌های بیست‌گانهٔ امام سجاد علیه‌السلام اشاره کرده که در آن امام دربارهٔ شتری که سوار بر آن حج گزارده بود، سفارش می‌کرد.^۶ همچنین فصلی دیگر را در کتاب عقاب الأعمال، در عقاب کسی که حج را ترک کند، منعقد ساخته است.^۷

در کتاب من لایحضره الفقیه، علاوه بر فصل‌های متفرقه‌ای که در آن به حج پرداخته شده،^۸ در جلد دوم، کتاب الحج را نوشته و به صورت یک کتاب مفصل فقهی به تبیین مسایل مربوط به آن پرداخته است.^۹

شیخ صدوق حتی در مجلس نود و سوم کتاب الأمالی که آن را به بیان خلاصه‌ای از دین امامیه اختصاص داده است، به حج و اهمیت آن و بیان بخشی از احکام حج پرداخته است.^{۱۰} وی در کتاب علل الشرایع هم در بحث علت امر به حج و مسائل مربوط به آن و پاسخ به برخی





پرشش‌های مطرح شده در این باب، به موضوع حج پرداخته است.^{۱۱} در جلد دوم این کتاب، ابواب و صفحات زیادی را به حج و مسائل پیرامون آن اختصاص داده است. باب صد و چهل و دو تا دویست و بیست و دو، همه درباره‌ی حج و عمره است.^{۱۲} در کتاب معانی الأخبار هم، فصل‌هایی را به بیان معنای حج، حج اکبر و حج اصغر، ایام معلومات و... ویژه ساخته است.^{۱۳} سوگمنده‌اند هیچ یک از آثارى که شیخ صدوق به صورت مستقل درباره حج نگاشته، به دست ما نرسیده و در گذر زمان و حوادث روزگاران گم شده است. اگرچه اطلاعات اندکی از این کتابها در اختیار ما است، ولی آشنایی با عناوین و محتوای این کتاب‌ها فوایدی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

یکم؛ آشنایی با عناوین و محتوای این کتاب‌ها، هرچند به صورت اجمالی، راهنمای پژوهشگران و نویسندگان در نگارش کتاب‌های مناسب برای حج می‌باشد؛ قالب‌هایی که صدوق در این رابطه تجربه کرده، در برخی از موارد، تکرار نیپذیرفته و هنوز قالب‌هایی نو برای نگارش به شمار می‌آید.

دوم؛ سرزمین‌های اسلامی در قرن چهارم هجری، یکی از مهمترین دوره‌های پیشرفت علمی خود را تجربه کرده است. شناخت دقیق آثار و نوشته‌های دانشمندان این دوره، به ویژه در فقه و حدیث، به ترسیم فضای روشنی از تمدن اسلامی در قرن چهارم کمک خواهد کرد. سوم؛ تاریخ هر علم و فراز و فرودهایی که به دست نخبگان و دانشیان آن به وجود آمده، مورد مطالعه پژوهشگران آینده است. شناخت تألیفات فقهی و حدیثی شیخ صدوق، از مواردی است که به روشن شدن بخشی از تاریخ این علوم خواهد انجامید.

چهارم؛ شیخ صدوق یکی از بزرگ‌ترین و پرتلاش‌ترین دانشمندان قرن چهارم هجری است که حدود سیصد عنوان کتاب و رساله، به نگارش درآورده است.^{۱۴} زندگی، فعالیت‌های علمی و فرهنگی، آثار و تألیفات او، همچنان از زمینه‌هایی است که نیازمند شناخت پژوهشگران است. معرفی آثار شیخ صدوق که بیشتر آنها از میان رفته است، به شناخت بیشتر و بهتر شیخ صدوق به عنوان یک دانشمند اسلامی یاری خواهد رساند.

معرفی آثار

کتاب‌هایی که شیخ صدوق در رابطه با حج به رشته تحریر در آورده، عبارت است از:

یک) جامع الحج

شیخ نجاشی نام این کتاب را در لیست آثار شیخ صدوق آورده،^{۱۵} و علامه تهرانی هم به آن اشاره کرده است.^{۱۶} علامه تهرانی بار دیگر نام این کتاب را در کنار کتاب‌های دیگر مربوط به حج آورده است.^{۱۷} سخن ایشان به گونه‌ای است که گویا او نیز از فراوانی نگارش‌های صدوق درباره حج به تعجب درآمده است.

دو) جامع علل الحج

شیخ نجاشی در فهرست تألیفات شیخ صدوق، نام این کتاب را آورده^{۱۸} و شیخ آقابزرگ تهرانی هم از آن یاد کرده است.^{۱۹} یکبار دیگر تحت عنوان «کتاب علل الحج» هم از این کتاب یادی به میان آمده است.^{۲۰} شیخ صدوق در «کتاب من لایحضره الفقیه» بابتی را با عنوان «باب علل الحج» منعقد ساخته است. در ابتدای همین باب از کتاب جامع علل الحج یاد کرده و گفته است: «قَالَ الشَّيْخُ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ: قَدْ أَخْرَجْتُ أَسَانِيدَ الْعِلَلِ الَّتِي أَنَا ذَاكِرُهَا عَنِ النَّبِيِّ ﷺ وَ عَنِ الْأُئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِي جَامِعِ عِلَلِ الْحَجِّ»^{۲۱}

شیخ طوسی در الفهرست^{۲۲} و ابن شهر آشوب در معالم العلماء^{۲۳} از این کتاب با عنوان «علل الحج» یاد کرده‌اند.

نویسنده در این باب، به بیان بیست و هفت حدیث در علل معارف و مناسک مربوط به حج پرداخته است. از علت نام‌گذاری کعبه و بیت‌الله الحرام و صفا و مروه تا بیان علت قربانی کردن در عید قربان در این باب آمده است. علاوه بر ایراد احادیث در این بخش، توضیحات و بیان‌هایی از قلم مؤلف در بین روایات آمده که بر غنای مطالب افزوده است.

سه) جامع تفسیر المنزل فی الحج

شیخ صدوق خود، این کتاب را تفسیر المنزل فی الحج دانسته؛ چنان که گفته است:

«قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذِهِ الْأَخْبَارُ كُلُّهَا مُتَّفَقَةٌ غَيْرُ مُخْتَلِفَةٍ وَ النَّفْثُ

مَعْنَاهُ كُلُّ مَا وَرَدَتْ بِهِ هَذِهِ الْأَخْبَارُ وَ قَدْ أَخْرَجْتُ الْأَخْبَارَ فِي هَذَا الْمَعْنَى فِي كِتَابِ
تَفْسِيرِ الْمُنَزَّلِ فِي الْحَجِّ».^{۲۴}

ولی شیخ نجاشی نام این کتاب را «کتاب جامع تفسیر المنزل فی الحج» ذکر کرده است.^{۲۵} علامه تهرانی هم، عنوان نجاشی را پذیرفته و نقل کرده است.^{۲۶} به نظر می‌رسد که علامه تهرانی به نام کتاب در متن کتاب صدوق توجه نداشته است.

چهار) جامع فضل الکعبة و الحرم

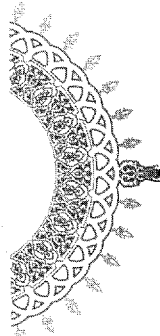
نام این کتاب نیز در لیست آثار شیخ صدوق در رجال نجاشی آمده^{۲۷} و شیخ آقابزرگ تهرانی هم آن را به عنوان کتابی از صدوق شناخته است.^{۲۸} در «کتاب من لایحضره الفقیه» هم بابی با عنوان «الکعبة و فضلها و فضل الحرم» وجود دارد که نویسنده در آن، ده‌ها حدیث را در این موضوع روایت کرده است.^{۲۹}

پنج) جامع آداب المسافر للحج

شیخ صدوق در این کتاب به بیان آداب مسافر در سفر معنوی حج پرداخته است. اینکه مسافر حج، سفرش را چگونه آغاز کند و چگونه آن را به پایان برساند. شیخ نجاشی در لیست آثار شیخ صدوق، نام این کتاب را ذکر کرده،^{۳۰} و علامه تهرانی نیز آن را جزو تألیفات صدوق دانسته است.^{۳۱} برخی از منابع، از این کتاب با لفظ «آداب المسافر للحج» یاد کرده‌اند، نه «آداب المسافر». صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه هم ابواب متعددی را درباره سفر و آداب آن سامان داده که میتوان فصل‌ها و محتوای کتاب مورد نظر را شبیه این بخش دانست.^{۳۲}

شش) جامع فرض الحج و العمرة

مرحوم نجاشی از این کتاب نام برده^{۳۳} و علامه آقابزرگ تهرانی آن را در شمار آثار شیخ صدوق دانسته است.^{۳۴} صدوق در کتاب علل الشرائع، باب یکصد و چهل و دوم را با عنوان علة وجوب الحج و الطواف بالبيت و... سامان داده است.^{۳۵} در کتاب عیون أخبار الرضا (علیه السلام) نیز صفحاتی از باب سی و دوم را به علة تشریع الحج و مناسکه اختصاص داده است.^{۳۶}



هفت) جامع فقه الحج

نام این کتاب نیز مانند بخش قابل توجهی از آثار شیخ صدوق، فقط در رجال نجاشی ذکر شده است.^{۳۷} علامه تهرانی هم نام این کتاب را در کنار تعدادی از نگاشته‌های صدوق درباره حج آورده است.^{۳۸} صدوق در کتاب بزرگ فقهی خود، کتاب من لایحضره الفقیه بیشتر مباحث فقهی حج را وارد ساخته است.^{۳۹}

هشت) أدعية الموقف

نامیکه شیخ صدوق بر این کتاب نهاده و از آن یاد کرده، «دعاء الموقف» است، ولی شیخ نجاشی آن را با عنوان کتاب أدعية الموقف خوانده است.^{۴۰} علامه آقابزرگ تهرانی نیز با همین عنوان از این کتاب یاد کرده است.^{۴۱} تهرانی به این اختلاف در اسم کتاب در مکانی دیگر از کتابش اشاره کرده است.^{۴۲}

صدوق نام این کتاب را در برخی متون آورده است. در کتاب المقنع درباره عرفات و دعا در روز عرفه سخن گفته و خواننده را به کتاب دعاء الموقف ارجاع می‌دهد. او می‌گوید: «فإنه يوم دعاء و مسألة و اعمل بما فی کتاب «دعاء الموقف» من الدعاء و التحمید و التهلیل و الصلاة علی النبی و آله صلی الله علیه و آله و سلم، و جمیع ما فیہ».^{۴۳}

در کتاب الهدایه نیز در جایگاه دعا و عبادت روز عرفه، متنی مانند متن بالا را می‌آورد: «و ادع بما فی کتاب دعاء الموقف من التهلیل و التحمید و الدعاء إن شاء الله».^{۴۴} شیخ صدوق در شرح اعمال عرفات و روز عرفه در «کتاب من لایحضره الفقیه»، فصلی را با عنوان «دعاء الموقف» ایراد کرده است.^{۴۵} در پایان این فصل خواننده کتاب را به کتابی با همین نام راهنمایی کرده، می‌گوید:

«قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - هَذَا الدُّعَاءُ تَامَ كَافٍ لِمَوْقِفِ عَرَفَةَ وَ قَدْ أُخْرِجَتْ دُعَاءٌ جَامِعًا لِمَوْقِفِ عَرَفَةَ فِي كِتَابِ دُعَاءِ الْمَوْقِفِ، فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَدْعُو بِهِ دُعَاءَ بِهِ
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى».^{۴۶}

نه) کتاب القربان

شیخ نجاشی، این کتاب را در شمار تألیفات شیخ صدوق ذکر کرده^{۴۷} و شیخ آقابزرگ تهرانی نیز در الذریعه در دو جایگاه از آن نام برده است.^{۴۸} صدوق در کتاب علل الشرائع، باب یکصد و هفتاد و هشتم را با عنوان «علّة الأضحیه» منعقد ساخته و روایاتی را نقل کرده است.^{۴۹} صدوق ابواب بعدی را تا باب یکصد و هشتاد و هفتم، مرتبط با قربانی حج سامان داده است.^{۵۰} در کتاب من لایحضره الفقیه نیز بابی با عنوان «الأضحیه و فضلها» و ابواب دیگری را با عناوین ایام النحر، باب الأضحی و دهها مطلب مرتبط دیگر با قربانی را وارد ساخته است.^{۵۱}

ده) کتاب المدینه و زیارة قبر النبی و الأئمة

نام این کتاب در لیست آثار شیخ صدوق در رجال نجاشی آمده است.^{۵۲} علامه تهرانی هم نام این کتاب را آورده است.^{۵۳} صدوق فصلی از کتاب الهدایه را با همین موضوع تدوین کرده و آن را باب «زیارة قبر النبی ﷺ و قبور الأئمة علیهم السلام بالمدینه» نام نهاده است.^{۵۴} وی در ابواب مرتبط با حج، در باب «الابتداء بمکه و الختم بالمدینه» در توضیح احادیثی که ابتدای سفر حج را به مکه و پایان سفر را به مدینه افضل دانستند، گفته است: این احادیث مربوط به کسی است که مختار است به هر یک از این دو شهر آغاز کند. اما آنکس که بر سر یکی از این دو راه است و چاره‌ای جز رفتن در آن راه را ندارد، مشمول این حدیث نمی‌شود. کسی که بر سر راه مدینه است، برایش جایز نیست که زیارت قبر پیامبر ﷺ و ائیان مشاهد مشرفه را رها کند؛ چه بسا دیگر نتواند به مدینه برگردد. پس برای او بهتر است که از مدینه آغاز کند. و این معنای حدیثی است که آغاز سفر از مدینه را برتر می‌داند.^{۵۵} صدوق فصل‌های دیگری از کتاب من لایحضره الفقیه را هم، مرتبط با عنوان کتاب مورد نظر منعقد ساخته است. این فصل‌ها عبارت‌اند از: تحریم المدینه و فضلها، ائیان المدینه، ائیان المنبر، الصوم بالمدینه و الاعتکاف بها، زیارت فاطمة الزهراء علیها السلام، ائیان المشاهد و قبور الشهداء، تودیع قبر النبی ﷺ...



یازده) کتاب جامع نوادر الحج

از شیوه‌های مشهور در نگارش کتاب‌های حدیثی از دوران صدوق و پیش و پس از آن، نوادر نویسی است. این کتاب‌ها که با نام نوادر و النوادر شناخته می‌شود، نظم و سیاق خاص خود را داشته و به نوادر احادیث در هر موضوع می‌پردازد.

صدوق شش کتاب از تألیفات خود را به این شیوه نگارشی ویژه ساخته است که عبارت‌اند از: «کتاب نوادر الصلاة»، «نوادر الطب»، «نوادر الفضائل»، «نوادر النوادر»، «نوادر الوضوء»، «جامع نوادر الحج». شیخ نجاشی نام این کتاب را در فهرست تألیفات صدوق آورده است.^{۵۶} علامه تهرانی هم به آن اشاره داشته است.^{۵۷}

شیخ صدوق در کتاب الحج، از مجموعه بزرگ کتاب من لایحضره الفقیه، فصلی را با نام «نوادر الحج» منعقد ساخته^{۵۸} و در ذیل پانزده موضوع فرعی، احادیث نادر را آورده است. وی در پایان این فصل از کتابش با همین نام یاد کرده، می‌گوید: «وقد أخرجت هذه النوادر مسندة مع غيرها من النوادر فی کتاب جامع نوادر الحج».^{۵۹}

دوازده) کتاب مسائل الحج

المسائل، عنوان تعدادی از کتاب‌های شیخ صدوق است که غالباً در موضوع فقه نگاشته است. چنان که از نام کتاب پیداست، این کتاب‌ها مجموعه مسائلی است که همراه با پاسخ‌هایشان به صورت کتاب تدوین شده است. بخشی از آثار شیخ صدوق که به پانزده اثر می‌رسد، با این عنوان ارائه شده که در پی می‌آید:

«کتاب المسائل، مسائل الحج، مسائل الحدود، مسائل الخمس، مسائل الديات، مسائل الرضاع، مسائل الزکاة، مسائل الصلاة، مسائل الطلاق، مسائل العقیقه، مسائل الموارث، مسائل النکاح، مسائل الوصایا،

مسائل الرضوء، المسائل الوقف».

شیخ نجاشی از این کتاب در لیست نوشته‌های شیخ صدوق نام برده^{۶۰} و شیخ آقابزرگ تهرانی نیز از این کتاب یاد کرده است.^{۶۱}

فهرست منابع

الامالی؛ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق.)، تحقیق: مؤسسه بعثت، قم: مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

التوحید؛ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، معروف به شیخ صدوق (۳۸۱ ق.)، تحقیق: سید هاشم حسینی تهرانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.

نواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق.)، قم: رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ش.

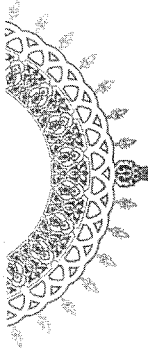
الخصال؛ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق.)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

الندریة إلى تصانیف الشیعه؛ شیخ آقا بزرگ طهرانی (م ۱۳۸۹ق.)، بیروت، دارالأضواء، دوم، [بی تا].

رجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)؛ ابوالعباس احمد بن علی النجاشی الکوفی، م ۴۵۰ق. قم، مؤسسه نشر اسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.

علل الشرائع؛ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق.)، نجف: مکتبه حیدریه، چاپ اول، ۱۳۸۶ق.

عیون اخبار الرضا (ع)؛ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ



صدوق (م ۲۸۱ق.)

تحقیق : حسین اعلمی ، بیروت : مؤسسه اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به
شیخ صدوق (م ۳۸۱ق.).

تحقیق : علی اکبر غفاری، قم : مؤسسه نشر اسلامی ، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

کمال الدین و تمام النعمه؛ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، معروف به
شیخ صدوق (م ۳۸۱ق.).

تحقیق : علی اکبر غفاری ، قم : دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.

الفهرست؛ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ق.).

تحقیق: جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، اول، ۱۴۱۷ق.

معالم العلماء؛ ابو عبدالله محمد علی بن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ق.)، نجف، حیدریه،
دوم، ۱۳۸۰ق.

معانی الاخبار؛ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، معروف به «شیخ صدوق»
(م ۳۸۱ق.).

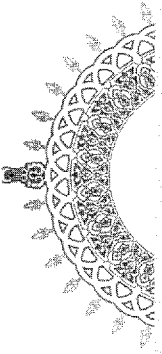
تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.

المقنع؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه، معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق.).

تحقیق: مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام ، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

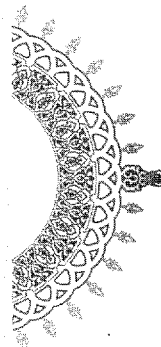
الهدایة فی الأصول والفروع؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه، معروف به شیخ
صدوق (م ۳۸۱ق.).

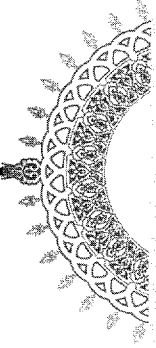
تحقیق : مؤسسه امام هادی علیه السلام ، قم : مؤسسه امام هادی علیه السلام ، چاپ اول ، ۱۴۱۸ق.



پی نوشت ها:

۱. با توجه به حضور وی در سال ۳۵۲ در عراق و حضورش در ابتدای سال ۳۵۴ در فید و همدان در بازگشت از حج، باید در ذیحجه سال ۳۵۳ حج گزارده باشد.
۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، صص ۵۷۲ و ۵۷۳. «وَ إِنِّي لَمَّا حَجَّجْتُ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامَ كَانَ رُجُوعِي عَلَى الْمَدِينَةِ بِتَوْفِيقِ اللَّهِ تَعَالَى ذَكَرَهُ فَلَمَّا فَرَعْتُ مِنْ زِيَارَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَصَدْتُ إِلَى بَيْتِ فَاطِمَةَ ؑ... وَ قُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ...»
۳. عیون أخبار الرضا ؑ، ج ۱، ص ۶۲. «حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَيْهَقِيُّ بِفَيْدٍ بَعْدَ مُنْصَرَفِي مِنْ حَجِّ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فِي سَنَةِ أَرْبَعٍ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ: ...»
۴. التوحيد، ص ۷۸ و الخصال، ص ۳۲۰. «أخبرنا أبو العباس الفضل بن الفضل الكندي بهمدان منصرفي من الحج...» كمال الدين و تمام النعمة، ص ۳۶۹. «قال مصنف هذا الكتاب رضي الله عنه: لم أسمع هذا الحديث إلا من أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني [رضي الله عنه، بهمدان] عند منصرفي من حج بيت الله الحرام، و كان رجلا ثقة دينا فاضلا، رحمة الله عليه و رضوانه»
۵. ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، ص ۵۰- ۴۶
۶. همان، ص ۵۰
۷. همان، صص ۲۳۶ و ۲۳۷
۸. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵
۹. همان، ج ۲، صص ۱۹۰ و ۵۸۰
۱۰. الأمالی، ص ۷۴۸
۱۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۷۳
۱۲. همان، ج ۲، صص ۴۷۴ - ۴۰۰
۱۳. معانی الأخبار، ص ۱۷۰ و صص ۲۹۷ - ۲۹۴ و ...
۱۴. الفهرست طوسی، ص ۲۳۷
۱۵. رجال النجاشی، ص ۳۸۹





- ١٦ . الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٥، ص ٤٨
- ١٧ . همان، ج ٥، ص ٦٥
- ١٨ . رجال النجاشي، ص ٣٨٩
- ١٩ . الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٥، ص ٦٣
- ٢٠ . همان، ج ١٥، ص ٣١٣
- ٢١ . كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ١٩٠
- ٢٢ . الفهرست طوسی، ص ٢٣٧
- ٢٣ . معالم العلماء، ص ١٤٦
- ٢٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٤٨٦
- ٢٥ . رجال النجاشي، ص ٣٨٩
- ٢٦ . الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٥، ص ٤٦
- ٢٧ . رجال النجاشي، ص ٣٨٩
- ٢٨ . الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٥، ص ٦٤
- ٢٩ . كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٢، صص ٢٤١-٢٥١
- ٣٠ . رجال النجاشي، ص ٣٩٠
- ٣١ . الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٥، ص ٣١
- ٣٢ . كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٢، صص ٣٠٠-٢٦٥
- ٣٣ . رجال النجاشي، ص ٣٩٠
- ٣٤ . الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٥، ص ٦٤
- ٣٥ . علل الشرائع، ج ٢، صص ٤٠٦-٤٠٠
- ٣٦ . عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٩٧
- ٣٧ . رجال النجاشي، ص ٣٩٠
- ٣٨ . الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٥، ص ٦٥
- ٣٩ . كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٢، صص ١٩٠ و ٦١٨

- ۴۰ . رجال النجاشی، ص ۳۹۰
- ۴۱ . الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۴۰۱
- ۴۲ . همان، ج ۸، ص ۱۹۳
- ۴۳ . المقنع، ص ۲۶۹
- ۴۴ . الهدایه فی الاصول و الفروع، ص ۲۳۶
- ۴۵ . کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۴۳ - ۵۴۱
- ۴۶ . همان، ص ۵۴۳
- ۴۷ . رجال النجاشی، ص ۳۹۰
- ۴۸ . الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۶ و ج ۱۷، ص ۷۰
- ۴۹ . علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۳۷
- ۵۰ . همان، ج ۲، صص ۴۳۸ - ۴۴۳
- ۵۱ . کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، صص ۵۱۸ - ۴۸۸
- ۵۲ . رجال النجاشی، ص ۳۹۰
- ۵۳ . الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۵۱
- ۵۴ . الهدایه فی الاصول و الفروع، صص ۲۵۶ - ۲۵۵
- ۵۵ . کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۵۹
- ۵۶ . رجال النجاشی، ص ۳۹۰
- ۵۷ . الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۵، ص ۷۵
- ۵۸ . کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، صص ۵۲۸ - ۵۱۹
- ۵۹ . همان، ج ۲، ص ۵۲۵
- ۶۰ . رجال النجاشی، ص ۳۹۲
- ۶۱ . الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۴۳

